

از مبانی پیشرفت اجتماع، مدارا از منظر سیره علوی جمیله حسین پور^۱

چکیده

رفق و مدارا از مهم‌ترین عناصر استوارسازی ارتباطات میان فردی، آرامش فردی و فضیلت‌های اخلاقی است. و در دین اسلام نیز اصل بر رفق و مداراست به طوری که عمل به احکام آن آدمی را به تکلف‌های بی مورد و ریاضت‌های بی جا نمی‌افکند، از این رو در این نوشتار ابتدا برخی از مولفه‌ها و حوزه‌های کاربردی این اصل به طور خلاصه تبیین گردید سپس با استناد به سیره امیرمؤمنان علیه‌السلام برخی از مرزهای مدارا در گفتار آن حضرت مورد بررسی قرار گرفته است. در سخنان امیر مومنان در نهج البلاغه، توصیه‌های فراوانی به این اصل اخلاقی شده است از جمله در حوزه برخورد کارگزاران با زیر دستان، رهبر با پیروان، معاشرت خانوادگی، عبادت، تربیت فرزندان،... در ادامه به آثار فردی و اجتماعی به کارگیری این اصل اخلاقی پرداخته شده است. سپس به آسیب شناسی و اینکه در هر موقعیتی نمی‌شود از این اصل استفاده نمود، اشاره شده است.

کلید واژه: مدارا، رفق، مولفه، آثار، آسیب

۱- مقدمه

انسان در زندگی خود ناگزیر از تعامل با دیگران است معاشرت با دیگران بخش عظیمی از زندگی فرد را تشکیل می‌دهد پس فرد باید در پی آموختن شیوه‌ی رفتاری و اخلاقی مناسب برآید تا هرچه بیشتر از تعاملاتش بهرمنند شود و در سایه رفتار و اخلاق مناسب در کنار دیگران در کمال آرامش زندگی نماید یکی از شاخه‌های اخلاق که نقش بسزایی در روابط فرد با دیگران دارد رفق و مدارا با دیگران است. رفق و مدارا یکی از ویژگی‌های نیکوی اخلاقی است که تأثیر زیادی در سازگاری هر فرد با معاشرانش دارد. در سایه این ویژگی است که فرد می‌داند با اطرافیانش چگونه رفتار نماید تا فردی مؤثر و مثبت به حساب آید. با توجه به اهمیت رفق و مدارا در روابط و مناسبات انسانی در این مقاله بر آنیم تا این ویژگی مهم اخلاقی را از دیدگاه حضرت علی (ع) مورد بررسی قرار دهیم هدف اصلی تحقیق بررسی نقش رفق و مدارا در حوزه‌های مختلف زندگی و تعیین محدوده‌ی آن با توجه به سخنان الگو و اسوه اخلاقمان، امام نور و هدایت، حضرت علی (ع) می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله، کتابخانه‌ای بوده و منابع مورد بررسی، نهج البلاغه و شروحاتی که بر آن نگاشته شده و همچنین کتابهایی که در حوزه‌ی اخلاق بحث نموده‌اند می‌باشد.

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- مدارا

مدارا از ماده «دری» یا «درأ» اشتقاق یافته است. «دری» به معنای آگاهی و شناختی که با نوعی از فریب حاصل شده است.^۲ «درأ» نیز در اصل به معنای «دفع کردن» است.^۳ بر اساس این، واژه «مدارا» که به معنای «ملاطفت و برخورد نرم» است، اگر از ماده «دری» باشد گویی آدمی با برخورد ملایم با او، وی را در کمند محبت خویش گرفتار می‌سازد؛ و اگر از «درأ» مشتق باشد به این مناسبت است که آدمی با برخورد ملایم خویش، بدی او را دفع می‌کند.^۴ بنابراین، در مدارا، مفهوم «پرهیز و احتیاط» نهفته است؛ از این رو، کاربرد بیشتر آن درباره مخالفان و دشمنان است، بر خلاف «رفق» که غالباً درباره موافقان و دوستان و بیشتر از آن، درباره غیرمخالفان کاربرد دارد.

۲-۲- رفق

(بکسر اول) به معنای مدارا است و در مقابل خشونت است.^۵ در همه موارد کاربرد آن، مفهوم «نرمی و راحتی» را دربردارد از آنجا که به‌طور معمول، میانه‌روی در انجام دادن کارها، سهولت انجام دادن آنها و نیکی و استحکام عمل را در پی دارد، واژه رفق به معنای «میانه‌روی»، «حسن انجام دادن عمل» و «احکام عمل» نیز به کار رفته است.^۶

۲-۳- غُفْ

ستمکاری، سختی و بی‌رحمی،^۷ عَفْ، خُرُق در امر است.^۸ عَفْ غلظت و درشتی در گفتار یا حرکات است این صفت از نتایج قوه غضب است و ضد آن رفق است یعنی نرمی و آن از نتایج حلم است.^۹

۲-۴- خرق

خَرَقٌ خُرْفًا از باب تعب، خلاف رفق و مداراست.^{۱۰} و خُرُق، به معنی ضعف عقل و حمق و جهل و عَفْ و زجر و عجله آمده است.^{۱۱} و خرق جامه به معنی پاره کردن و تمزیق آن است.^{۱۲} و خَرَقَ به معنی دَهَشَ و خاف، و أَخْرَقَ به معنی أَدَهَشَ آمده است.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، ترجمه خسروی، غلامرضا، تهران، انتشارات مرتضوی، بی تا، ج ۴، ص ۶۷۱

۳. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۲۷۱

۴. ابن منظور، لسان العرب، سوم، چاپ بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۵. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۱۱۰

۶. خلیل بن احمد، العین، ج ۵، ص ۱۴۹

۷. رضا، مهیار، فرهنگ ابجدی، ص ۹۴

۸. ابن منظور، پیشین، ج ۹، ص ۲۵۷.

۹. نراقی ملامحمد مهدی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ترجمه‌ی سیدجلال الدین مجتوبی، انتشارات حکمت، چاپ چهارم،

۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۰

۱۰. طریحی فخر الدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۵۳

۱۱. بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، انتشارات اسلامی، تهران، ص ۳۶۰

۱۲. قرشی بنایی، علی اکبر، پیشین، ج ۲، ص ۲۳۸

۳- مولفه های رفق

رفق و مدارا ترکیبی از عناصر و اجزای مختلف می باشد از جمله این عناصر می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۳-۱. حلم و بردباری: یکی از مولفه های رفق، حلم و بردباری می باشد یعنی استحکام و استواری در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی و زندگی با افراد مختلف است. که از نتایج آن رفق و مدارا در روابط می باشد امام علی(ع) حلم و بردباری را از عوامل حمایت مردم از فرد دانسته می فرماید: بِالْحِلْمِ عَنِ السَّيِّئَةِ تَكْتُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ؛ نخستین پاداشی که شخص بردبار از حلم و بردباری خویش به دست می آورد، حمایت مردم از او در برابر نادان است.^{۱۳}

۳-۲. تواضع و فروتنی: یعنی در برابر مردم ادب، فروتنی و افتادگی را رعایت کردن و از خودبینی و خودپسندی دوری نمودن. این خصلت در معاشرت فرد با دیگران تاثیر گذار است و موجب رفق با مردم و گرایش مردم به فرد می شود همان گونه که مولای متقیان فرمودند: مَنْ لَانَ عُوْدَهُ كَثُفَتْ أَعْصَانُهُ؛ کسی که درخت شخصیت او نرم و بی عیب باشد، شاخ و برگش فراوان است.^{۱۴}

۳-۳. حسن خلق، خوش رفتاری: از مولفه های دیگر رفق، حسن خلق است قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری».^{۱۵} «و به برکت رحمت الهی در برابر آنان [مردم] نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند...»^{۱۶} پس قرآن، حسن خلق را عامل موفقیت پیامبر اسلام(ص) در جذب مردم می داند.

۳-۴. عفو و بخشش: از مولفه های دیگر رفق و مدارا، عفو و بخشش مردم هنگامی که خطای از آنان سر میزند امام علی(ع) در کلام نورانی خویش می فرماید: أُعْطِیهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ؛ آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد.

۳-۵. نوع دوستی: نوع دوستی مهر بانی و مهر ورزی یکی از مولفه های مدارا است اگر این مولفه در جوامع انسانی ریشه بدواند و رشد کند بسیاری از تیره بختی های انسان در پرتو گرما بخش خورشید دوستی و محبت به روشنایی تبدل می شود. امام علی(ع) این اصل اخلاقی را در بسیاری از نامه ها مورد تاکید قرار داده از جمله در نامه ۵۳ می فرماید: وَ أَشْعِرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ؛ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش.^{۱۷}

۳-۶. خطا پوشی و عیب پوشی: خطا پوشی و نادیده گرفتن معایب دیگران پیوند های اجتماعی را محکم و استوار می کند و شیرازه اجتماع را استحکام می بخشد. امام علی(ع) می فرماید: مِنْ أَشْرَفِ [أَفْعَالِ] أَعْمَالِ الْكَرِيمِ عَفْلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ^{۱۸}

۱۳. دشتی، علی، ترجمه نهج البلاغه امام علی(ع)، قم، انتشارات مشهور، اول، ۱۳۷۹، ج ۲۲۴، ص ۶۷۷

۱۴. دشتی، علی، پیشین، ج ۲۱۴، ص ۶۷۵

۱۵. وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ قلم، ۴.

۱۶. فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَطْلًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ...؛ آل عمران، ۱۵۹.

۱۷. دشتی، علی، پیشین، ص ۵۶۷

۱۸. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴، ق، ج ۱۹، ص ۴۴

۳-۷. پرهیز از خودبینی و تکبر: اینکه فرد در امور زندگی، خود را محور قرار دهد و تمام اندیشه و تمرکزش معطوف به خود باشد موجب کدورت و کینه و متفرق شدن دوستان می شود همان گونه که مولایمان می فرماید: لَا وَحْدَةَ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ؛ هیچ تنهایی وحشتناکتر از عجب و خودپسندی نیست.^{۱۹} پرهیز از این رذیله اخلاقی موجب استحکام پیوندها و عطوفت و ملاحظت می گردد.

۳-۸. پرهیز از حسد: حسادت به دیگران باعث می شود فرد هیچ گاه در روابطش با افراد از عمق وجود خوشحال و خشنود نباشد و همیشه در ذهن خود در پی تحلیل موفقیت‌های دیگران باشد و همیشه حایل و مانعی بین فرد و اطرافیانش او را از مهر و محبت با آنان باز دارد. الگو و اسوه ی اخلاقمان در این زمینه می فرماید: حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سَقَمِ الْمَوَدَّةِ؛ حسادت بر دوست، از آفات دوستی است.^{۲۰}

۳-۹. پرهیز از مطلق نگری و اعتراف به نادانی انسان: یکی از مهم ترین مولفه های مدارا پرهیز از مطلق اندیشی و خود راعقل کل ندانستن است زیرا مطلق نگری خود را آگاه از معما های هستی دانستن مطلقاً با مدارا سازگاری .

۴- انواع رفق و مدارا

۴-۱- رفق در عبادت و ریاضت نفس

رفق و مدارا را در انجام امور مدخلیت کامل است، چه در باب معاشرت با خلق ، و چه راجع به امور دینی در باب ارتیاض نفس و سلوک راه حق رفق و مدارا با نفس، از مهمات به شمار می‌رود.^{۲۱} حضرت علی (ع) مردم را به این اصل توجه داده و چنین سفارش می نمایند: إِذَا أَضْرَّتِ النَّوْأِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْفُضْهَا؛ هر گاه مستحبات به واجبات زیان رساند آن را ترک کنید.^{۲۲} چه بسا که سختگیری بر نفس، خصوصاً در اوائل امر و خصوصاً برای جوانها، اسباب تنفر نفس از ارتیاض و سلوک شود، و از زیر بار حق فرار کند.^{۲۳}

امام علی (ع) در نامه خود به حارث همدانی چنین توصیه می فرماید: وَ خَادِعُ نَفْسِكَ فِي الْعِبَادَةِ وَ ارْفُقْ بِهَا وَ لَا تَقْهَرْهَا وَ خُذْ عَفْوَهَا وَ نَشَاطَهَا إِلَّا مَا كَانَ مَكْتُوباً عَلَيْكَ مِنَ الْفَرِيضَةِ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَ تَعَاهُهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا؛ طاعت پروردگار از همه چیز برتر است در انجام عبادت نفست را فریب و با او مدارا کن و او را به زحمت نینداز و زیاده‌روی مکن بر نفس خویش آسان بگیر و در هنگام اقبال دل و نشاط، مشغول عبادت شو مگر در مواقعی که می‌باید عمل واجب را بجا آوری که باید آن را در وقت خودش انجام دهی.^{۲۴}

با مراقت در عبادت، نفس انس و محبت با عبادات و طاعات پیدا می کند، و به واسطه این محبت و غلظه، انس و محبت با حق پیدا کند. و این، فتح باب معارف الهیه که سرچشمه ایمان است، می‌باشد، چنانچه عنف و خرق، گاهی سبب شود که در ذائقه روح، عبادت و عبودیت تلخ و ناگوار شود، و این، سبب اعراض قلب

۱۹. ارفع، ص ۱۲۳۱

۲۰. علی، دشتی، پیشین، ص ۶۷۵

۲۱. خمینی، روح‌الله؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص ۳۲۲.

۲۲. دشتی، علی، پیشین، ح ۲۷۹، ص ۶۹۹

۲۳. خمینی، روح‌الله؛ پیشین، ص ۳۲۲.

۲۴. ارفع، کاظم، ترجمه روان نهج البلاغه، انتشارات فیض کاشانی، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۶۹، ص ۱۱۶۳

از حق شود. پس معلوم شد که قفل ایمان رفق است، و کسی که نصیب آن رفق باشد، ایمان نیز نصیب او شود.^{۲۵}

۴-۲- رفق در امر به معروف و نهی از منکر

سنت فقهی ما بر این قرار است که مباحث امر به معروف در کتاب الجهاد و به عنوان بخشی از آن نقل می‌شود. در صورتی که امام همه نیکی‌ها و حتی جهاد در راه خدا را در یک طرف می‌گذارد و امر به معروف و نهی از منکر را از آنها برتر می‌شمارد و می‌فرماید: «همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در کنار امر به معروف و نهی از منکر، جز دمیدنی به دریای پهناور نیست»^{۲۶}

در باب امر به معروف و نهی از منکر نیز باید گفت یکی از مهمات، رفق نمودن و مدارا کردن است. ممکن است اگر انسان مرتکب معصیت یا تارک واجبی را با شدت و عنف بخواهد جلوگیری کند، کارش از معصیت کوچک به معاصی بزرگ یا به رده و کفر منتهی شود؛ در ذائقه انسان امر و نهی تلخ و ناگوار است و غضب و عصیت را تحریک می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر باید این تلخی و ناگواری را با شیرینی بیان و رفق و مدارا و حسن خلق، جبران کند تا کلامش اثر کند و دل سخت معصیت کار را نرم و رام نماید.^{۲۷}

امام علی (ع) طی نامه ای که به مردم کوفه می‌نویسد در شیوه ی برخورد خویش با عثمان چنین می‌فرماید: همواره او را نصیحت می‌کردم و به راه رستگاری دلالت می‌نمودم، و از سرزنش او خود داری می‌نمودم، و هیچ او را سرزنش نمی‌کردم.^{۲۸}

۴-۳- رفق با زیردست

هیچ عاملی مثل رفق و مدارا نمی‌تواند پیوندی عمیق میان مدیران و زیردستان ایجاد کند و همراهی آنان را تضمین نماید. مدیر با به کار بردن مهر و عطوفت بجا از دریچه قلب وارد شده سازمان را مالمال از تعهد و فداکاری می‌کند.^{۲۹} این اصل نه تنها مایه آرامش و بستر کمال خود آنان است بلکه سبب گشایش سختی‌ها و نیل به مقاصد می‌باشد.^{۳۰} امیرالمؤمنین (ع) به کارگزاران خود توصیه می‌فرمود که در ادراى امور جامعه و تعامل با مردم، اصل رفق و مدارا و مهربانی را ملاک قرار دهند و حتی الامکان از برخورد شدید و تند بپرهیزند. ایشان در نامه ۵۳ به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ؛ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش.^{۳۱}

ضرورت و جایگاه ویژه مدارا و مهربانی در نگاه مدیریتی امام علی (ع) تا آنجاست که آن حضرت توجه به مدارا و رفق را حتی هنگامی که برخوردهای شدید اقتضاء می‌کند ضروری می‌داند: اخْلَطِ الشَّدَّةَ بِضِعْثٍ مِنْ

۲۵. خمینی، امام سید روح‌الله، پیشین.

۲۶. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۷۴.

۲۷. خمینی، پیشین، ص ۳۱۸.

۲۸. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله، منهاج‌البراعة فی شرح نهج‌البلاغه، مکتبه الاسلامیه، چهارم، ۱۳۷۵، ج ۱۷، ص ۵.

۲۹. خنیفر، حسین، اصول مدیریت و وظایف مدیران، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اول، ۱۳۸۱، ص ۲۶، تمیمی آمدی، عبد

الواحد بن محمد، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۹.

۳۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج‌البلاغه، انتشارات دریا، ۱۱، سال ۱۳۸۶، ص ۲۰۱.

۳۱. دشتی، علی، پیشین، ص ۵۶۷.

اللَّيْنِ وَارْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ؛ شدت و سخت‌گیری را با کمی نرمش و مدارا در هم آمیز. ^{۳۲} به کارگیری رفق و مدارا در ادرای امور مایه پیوند درست زمامداران و مردمان است و بدین وسیله درهای توفیق در تحقق برنامه‌ها و سیر به سوی اهداف گشوده می‌شود. از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: کسی که در امور خویش رفق در پیش گیرد، به آنچه از مردم می‌خواهد، نایل شود ^{۳۳}

۴-۴- رفق رهبر با پیروان خود

امام علی (ع) در نامه ۶۹ می‌فرماید: «در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی» زیرا ممکن نیست انسان بتواند با شدت، در قلوب مردم تصرف کند و آنها را خاضع و رام کند، و فرضاً که با شدت و سلطه، کسی اطاعت از انسان کند، چون قلب او همراه نشود، از خیانت، او ایمن نخواهد شد. ولی رفق و دوستی، دل را رام کند که با رام شدن آن، تمام قوای ظاهره و باطنه رام شود، و فتح قلوب از فتح ممالک بالاتر است. ^{۳۴}

البته نباید از نظر دور داشت که حاکم در بعضی امور و بعضی شرایط خاص باید از ابزار شدت عمل استفاده کند که این شرایط استثنا هستند و اصل عمومی همان رفق و مدارا است. ^{۳۵} چنانچه حضرت امیر علیه السلام در خطاب به یکی از کارگزاران به هر دو مطلب فوق اشاره می‌فرماید: وارفق ما کان الرفق أرفق و اعترم بالشدّة حين لا تغنی عنک إلا الشدّة؛ مادام که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و وقتی که جز سخت‌گیری کارت را پیش نبرد، سخت بگیر. ^{۳۶}

۴-۵- رفق در معاشرت اجتماعی

آدمی همه روزه با انسان‌های متعددی سر و کار دارد که هر یک با رفتار و روحیه‌ای مخصوص زندگی می‌کنند؛ یکی از روشهای موفق زندگی اجتماعی، موقعیت‌سنجی است، به این معنا که انسان، افراد جامعه خویش را بشناسد و با آنها طبق روحیات خودشان برخورد کند و با آنها مدارا نماید. ^{۳۷} امام علی (ع) نیز در وصیت به محمد بن حنفیه می‌نویسد: «... وَاعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَدَارَةُ النَّاسِ وَ لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُعَاشِرُ بِالْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَدَّ مِنْ مُعَاشِرَتِهِ» ^{۳۸} بدان که پس از ایمان به خدای بزرگ، رأس خردمندی مدارا کردن با مردم است و کسی که با مردم، به نیکی معاشرت نکند، خیری در او نیست.

۴-۶- رفق در معاشرت خانوادگی همسران

رفق و مدارا در زندگی خانوادگی، یکی دیگر از وظایف اخلاقی همسران نسبت به یکدیگر است، بدین معنا که همسران در برابر عیوب و کاستیهای اخلاقی و ناملایمات رفتاری و گفتاری یکدیگر، تندخو و خشن نباشند و بزرگووارانه از رفتار ناپسند یکدیگر چشم‌پوشی کرده، با صمیمیت و دوستی رفتار کنند. البته معنای مدارای با همسر این نیست که نسبت به عیوب و رفتار ناپسند او بی‌اعتنا باشیم، بلکه بدین معناست که در

۳۲. دشتی، علی، پیشین، ص ۵۵۹

۳۳. همان، نامه ۲۶

۳۴. خمینی، پیشین، ص ۳۱۵

۳۵. علی صابری، محمد، مقاله اخلاق بایسته کارگزاران در نهج البلاغه

۳۶. دشتی، پیشین، ن ۴۶

۳۷. یوسفیان - الهامی‌نیا، اخلاق اسلامی (ج ۳)، ص: ۲۰

۳۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق، ص ۴۲.

مورد اصلاح همسر، ظرفیت او را در نظر گرفته، بیش از توانش از او انتظار نداشته باشیم.^{۳۹} حضرت علی علیه السلام در مورد رعایت حال زنان و سخت نگرفتن بر آنان فرمود: «انَّ النَّسَاءَ عِنْدَ الرَّجَالِ لَا يَمْلِكْنَ لِأَنْفُسِهِنَّ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَ أَنْهَنَّ أَمَانَةً عِنْدَكُمْ فَلَا تُضَارُّوهِنَّ وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ»^{۴۰} همانا که زنان در خانه شوهران اختیار سود و زیان خود را ندارند، آنان در دست شما امانتند، پس برایشان سخت نگیرید و (بلا تکلیف) رهایشان نسازید.

۴-۷- رفق در تربیت دینی

رفق و مدارا و پرهیز از خشونت و سخت‌گیری در تربیت دینی فرزندان نقشی اساسی دارد. در مقابل، خشونت و سخت‌گیریهایی بی‌جا، اسلام را در کام فرزندان تلخ می‌سازد و از تربیت درست و هدایت آنان بازمی‌دارد و موجبات سیه‌روزی آنان را فراهم می‌آورد. والدین باید در تربیت دینی فرزندان خود، مدارا و نرمی در رفتار را شیوه خود سازند و دستورات دینی و انجام واجبات را بر آنها تحمیل نکنند، بلکه بکوشند در محیط خانواده شرایطی فراهم آورند که فرزندان با میل و رغبت به دین و آموزه‌های دینی بگرایند و آداب و سنن دینی را انجام دهند.^{۴۱} تربیتی که بر تسهیل و مدارا استوار نباشد نمی‌تواند نشاط لازم را برای همراهی در حرکت کمالی فراهم آورد بهترین چیز در تربیت اگر با بی‌میلی همراه باشد بی‌تاثیر می‌گردد.^{۴۲} امیر المومنین در حکمتی نورانی فرموده است: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى التَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ: دل‌ها را روی آوردن و نشاط، و پشت کردن و فراری است، پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وادارید، و آنگاه که پشت کرده بی‌نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید.»^{۴۳}

نکته مهم در به کارگیری شیوه رفق و مدارا در تربیت فرزندان این است که نرمی نباید به‌گونه‌ای باشد که باعث گستاخی و خیره‌سری گردد. از این رو، بر والدین لازم است از قاطعیت در تربیت نیز غفلت نکنند. منظور از قاطعیت، محکم، جدی و استوار بودن در رأی و تصمیم درست است. اگر شیوه‌های محبت، تکریم شخصیت و مانند آن با قاطعیت توأم نباشند، نتیجه لازم را به دست نخواهند داد.^{۴۴}

۵- ساحت‌ها و عرصه‌های رفق

هر چند مدارا در حوزه‌های مختلف سیاسی، اخلاقی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد بحث قرار گرفته، اما مدارایی که ما از آن سخن گفتیم به معنای تحمل عقاید رقیب در عین باورمندی و پای بندی به اصول خود و به مهربانی رفتار کردن است. طبیعی است که با این نگرش، بحث ما رنگ اخلاقی به خود می‌گیرد و با بحث‌هایی که با حوزه‌ی مسائل سیاسی مرتبط است تفاوت دارد. مدارای سیاسی که از آن به «تسامح و تساهل» یاد می‌شود، یک وضع حقوقی و پیش‌آمد تاریخی است، نه یک صفت نفسانی و اخلاقی. پس ما باید واژه‌ی ارزش مند مدارا را با کلمه «تسامح و تساهل» متمایز کنیم.

۳۹. رضائزاد- فاخری، اخلاق خانواده (ج ۲)، ص ۹۴

۴۰. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال: قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴۸۷

۴۱. یوسفیان، نعمت الله، تربیت دینی فرزندان، ص: ۱۲۸

۴۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهر پرور؛ تربیت در نهج البلاغه، تهران، دریا، سوم، ۱۳۸۵، ص ۳۰۶

۴۳. دشتی، علی، پیشین، ح ۳۱۲، ص ۷۰۵

۴۴. یوسفیان، نعمت الله، پیشین، ص ۱۲۹

۶- آثار رفق و مدارا

۶-۱. آثار فردی

از جمله ی آثار فردی می توان به آسانی کارها و سلامت روانی و جسمانی و برکت و فزونی روزی اشاره کرد.

۶-۱-۱. آسانی کارها

بدخلقی و سخت گیری، بسیاری از کارها را مشکل می کند و سبب لجبازی دیگران می گردد و بعکس، نرم خوئی و رفاقت و مدارا دل افراد را به دست می آورد و بسیاری از گره های کور کارها را می گشاید.^{۴۵} امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «الرَّفْقُ يُيسِّرُ الصَّعَابَ وَ يُسهِّلُ شَدِيدَ الْأَسْبَابِ»^{۴۶} ملایمت، سختی ها را آسان و موانع محکم را باز می کند.

۶-۱-۲. سلامت روانی و جسمانی

در دهه گذشته، تحقیقات گسترده ای درباره عفو و گذشت و تأثیر آن در سلامت روان انجام شده و اغلب پژوهش های صورت گرفته بیانگر تأثیر مستقیم عفو و گذشت با ابعاد تأثیرگذار در سلامت روان بوده است. این تحقیقات نشان می دهد که عفو و گذشت، در کاهش اضطراب، افسردگی، عصبانیت، پرخاشگری، اختلالات عاطفی - رفتاری و افزایش اعتماد به نفس، امیدواری و درمان اختلالات روانی مؤثر است. افزون بر آن، نقش مؤثر عفو و گذشت در کاهش بزهکاری، استفاده از مواد مخدر و داروهای آرام بخش و نیز کاستن از رفتارهای ضد اجتماعی همچون کمرویی، بدبینی و لجبازی از سوی پژوهشگران غربی تأیید شده است. از سوی دیگر، دانشمندان دریافته اند که بروز یا تشدید برخی از بیماری های جسمانی مانند بیماری عروق کرونر، قلب، سرطان، آسم و... از حالات روانی فرد متأثر است که از آن به اختلال روان تنی، نام می برند؛ برای نمونه، تجزیه و تحلیل های آماری، نیز نشان دهنده همبستگی معناداری بین خصومت و خشم و انسداد عروق است. بنابراین، خشم و خشونت عامل بروز یا تشدید پاره ای از بیماری های روانی و جسمانی است و عفو و مدارا دارویی است که از سوی اسلام تجویز شده است.^{۴۷}

۶-۱-۳. برکت و فزونی روزی

از آثار و پیامدهای مثبت رفق و مدارا، دست یابی به خیر و برکت و زیادی روزی می باشد. از امام علی (ع) روایت شده است: اَلتَّسَهُّلُ يَدْرُ الْأَرْزَاقَ؛^{۴۸} سهل گرفتن روزیها را روان میکند. بدیهی است دست یابی به خواسته های فرد از دیگران و فایق آمدن بر مشکلات، در سایه تسهیل روابط اجتماعی می باشد. اصولاً بدون در پیش گرفتن رفتار نرم و همراه با رفق و مدارا با مردم، و نفوذ در مردم، به ویژه نفوذ در دلها و جانهای آنان، امکان پذیر نیست؛ و در مقابل، با رفق و مدارا کردن با مردم می توان در دل و جان آنها نفوذ کرد و به مقاصد و خواسته های خود دست یافت. حضرت علی (علیه السلام) در یکی از سخنان گهربار خود می

۴۵. علی اصغر الهامی نیا، پیشین، ص ۱۲۱

۴۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، پیشین، ص ۹۵

۴۷. ایروانی، جواد، خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث، مجله الهیات و حقوق - پاییز ۱۳۸۴ - شماره ۱۷

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، پیشین، ص ۴۸۴۷.

فرماید: ادراک الناس لحاجته، ذو العقل المترفق.^{۴۹} موفق ترین مردم در رسیدن به خواسته هایشان، انسان خردمند و مدارا کننده است. آن حضرت در یکی دیگر از بیانات نورانی خویش، این مسئله مهم را مورد توجه قرار می دهد و می فرماید: «مَنْ اعْطِيَ حَظَّهُ مِنَ الرَّفْقِ اعْطِيَ حَظَّهُ مِنَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مَنْ حُرِمَ حَظَّهُ مِنَ الرَّفْقِ حُرِمَ حَظَّهُ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^{۵۰}؛ هر کس نصیبی از رفق و مدارا داشته باشد، سهمی از خیر دنیا و آخرت را می برد و هر کس از سهم رفق و مدارا محروم باشد، از سهم (خیر) دنیا و آخرت نیز محروم است.

۲-۶. آثار اجتماعی

۲-۶-۱. تبدیل دشمنی و کینه به دوستی

طبع انسان، به دوستی با همگان تمایل دارد مگر اینکه علل و اسباب دیگری موجبات دشمنی را فراهم سازد. دین مقدس اسلام نیز چنین نظری دارد و برای تداوم دوستی ها و زدودن کدورت ها پیشنهادهای متعددی نموده از جمله نرمخویی و خوشرویی.^{۵۱} معمولاً هرگاه کسی بدی کند، انتظار مقابله به مثل را دارد، اما هنگامی که آدمی می بیند که طرف مقابل، نه تنها بدی را با بدی پاسخ نمی دهد، بلکه با خوبی و نیکی برخورد می کند، طبعاً وجدانش بیدار می گردد، این جاست که سردی تنفر و کینه به گرمی محبت و صمیمیت می گراید و این، از آثار مهم عفو و مداراست امیر مؤمنان علیه السلام در این مورد می فرماید: «رَفِقُ الْمَرْءِ وَ سَخَاؤُهُ يُجَبِّبُهُ اِلَى اَعْدَائِهِ»^{۵۲} نرمخویی و سخاوت شخص، او را محبوب دشمنانش می کند.

۲-۶-۲. محبوبیت

از آثار مثبت رفق، محبوبیت در نزد خداست همان گونه که پیامبر اکرم فرمودند: هیچ دو نفری با هم مصاحبت و همدمی نداشته اند مگر اینکه مدارا کننده تر آن دو پاداشش نزد خدای تعالی بزرگتر و محبوبیتش بیشتر است.^{۵۳} و نیز از آثار مثبت مدارا با مردم، کسب محبوبیت در میان آنان است؛ رفق و مدارا به افراد باعث می شود که انسان در نزد آنها محبوب شود و آن گاه که فردی در چشم دیگران محبوب شده نفوذ و تأثیر گذاری بیشتری خواهد داشت.

۲-۶-۳. جذب افراد به دین

به یقین آن طور که با رفق و مدارا ممکن است انسان تصرف در قلوب مردم کند و آنها را خاضع و رام کند، ممکن نیست با شدت و عنف، موفق شود. ولی رفق و دوستی، دل را رام کند که با رام شدن آن، تمام قوای ظاهره و باطنه رام شود. رفق و مدارا در پیشرفت مقاصد، از هر چیز مؤثرتر است، و چنانکه در مقاصد دنیایی چنین است، در مقاصد دینی از قبیل ارشاد و هدایت مردم رفق و مدارا از مهمات است که بدون آن، این مقصد شریف عملی نخواهد شد.^{۵۴} پیامبر برای ایجاد دوستی با گروهها و ملتها این اصل را در قالب

۴۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، پیشین، ص ۲۱۴.

۵۰. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، پیشین، ج ۶، ص ۳۴۰.

۵۱. علی اصغر الهامی نیا، پیشین، ص ۱۲۲.

۵۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، پیشین، ص ۳۸۸.

۵۳. نراقی ملامحمد مهدی، پیشین، ص ۳۷۱.

۵۴. مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزه، اخلاق نظری (۳)، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، 1388/08/13.

تالیف قلوب به اجرا می‌گذاشتند.^{۵۵} به طور کلی، یکی از اهداف بلند اسلام در ترغیب بیشتر مردم، مدارا با مخالفان و زمینه‌سازی برای جذب آنان به دین است. جذب مخالفان و بیدار نمودن وجدان خفته آنان در سیره علی (ع) نیز به روشنی مشاهده می‌شود ایشان جهت تالیف قلوب گمراهان انقدر درنگ نمودند که از شکیبایی و مدارای او یارانش معترض شدند. امام با لحنی سرشار از ملاحظت چنین پاسخ دادند: اینکه می‌گویید، خویشتن داری از ترس مرگ است، بخدا سوگند باکی ندارم که من به سوی مرگ روم یا مرگ به سوی من آید، و اگر تصور می‌کنید در جنگ با شامیان تردید دارم، بخدا سوگند هر روزی که جنگ را به تأخیر می‌اندازم برای آن است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند. و در لابلای تاریکی‌ها، نور مرا نگریسته به سوی من بشتابند، که این برای من از کشتار آنان در راه گمراهی بهتر است، گر چه در این صورت نیز به جرم گناهانشان گرفتار می‌گردند.^{۵۶}

۷- آسیب شناسی رفق

۱-۷. رفق غیر از سهل انگاری است

رفق غیر از انجام ندادن تکلیف و چشم پوشی از وظیفه الهی و به اصطلاح «مداهنه» است. مداهنه یعنی حالت افراطی مدارا که انسان در تمام مسائل شخصی و اجتماعی و با تمام گروهها و در هر مسأله‌ای سازش کند مداهنه نامیده می‌شود همانگونه که امام علی (ع) بعنوان رهبر جامعه اسلامی سستی و مدارا را در برابر جریان باطل هرگز بر نمی‌تابد و سخت و قاطع در برابر آن ایستادگی می‌کند کما اینکه معاویه به عنوان یک جریان باطل در برابر امام علی قرار می‌گیرد و ایشان کمترین نرمش و سازشی را در برابر او نشان نمی‌دهد. واقعیت این است که مدارا برای مردم و برای کسانی که تحمل آنان آسیبی به جامعه و وحدت جامعه نمی‌زند امری قابل توجه در حکومت امام است اما با جریان باطل هرگز مدارا و سازش نمی‌کند چرا که حضرتش معتقد است: حق و باطل همیشه در پیکارند.^{۵۷} و در خطبه ۶۵ می‌فرمایند: و لعمری ما علیّ من قتال من خالف الحقّ و خابط الغیّ، من إدهان و لا إبهان؛ به جان خودم سوگند در مبارزه با دشمنان حق، با آنان که در گمراهی غوطه‌ورند، هیچ گونه مجامله و مدارا نمی‌کنم و سستی به خرج نمی‌دهم.^{۵۸} و در خطبه ۴ می‌فرمایند: امروز زبان بسته را به سخن می‌آورم دور باد رأی کسی که با من مخالفت کند. و این بیانات نشانگر آن است که حضرت رفق را محدود به حوزه‌های خاصی می‌نمودند و در هر زمینه‌ای آن را جایز نمی‌دانستند.

۲-۷. رفق همه جا فضیلت نیست

رفق در اکثر موارد شایسته است مگر ندرتاً همانطور که امام علی علیه‌السلام فرمودند، تنها در صورتی که رفق واقعاً کارساز نباشد باید از خُرق استفاده کرد. بسا افرادی شایسته‌ی رفق نباشند و یا رفق در مواردی نابجا باشد. برخی از بزرگان گفته‌اند رفق در صورتی ارزش اخلاقی است که یقین داشته باشیم که صلاح بر رفق باشد همانطور که روایت است که امام علی علیه‌السلام فرمود: اگر در بین مردمی مدارا، درستی به حساب آید

۵۵. نوعی، غلامرضا، مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی، قم، کتاب مبین، اول، ۱۳۷۹، ص ۹۹

۵۶. دشتی، علی، پیشین، خ ۵۴، ص ۱۰۷

۵۷. علی، دشتی، خطبه ۱۶.

۵۸. همان، خطبه ۶۵

پس باید به جای مدارا، درشتی کرد و چه بسا که دارو بیماری شود و درد، درمان گردد یعنی مدارا کردن در پاره‌ای از موارد، مانند سختگیری و درشتی است از آن رو که غالباً به مصلحت زیان می‌رساند و هدف را از بین می‌برد، بنا بر این، به کار بستن درشتی در چنین موردی غالباً مثل مدارا کردن در جهت ارتباط با مصلحت و رسیدن به هدف است، پس درشتی در چنان موردی بهتر از مدارا کردن است.^{۵۹}

از جمله این موارد که اسلام در آن سخت‌گیری نموده مسأله حفظ اموال مسلمین و بیت المال، صلابت در اجرای حدود الهی، برخورد با دشمنان و منکران دین می‌باشد. با نگاه به سیره علوی مشخص می‌شود حضرت عثلی (ع) در این موارد با خاطی به شدت و سختی برخورد می‌کردند

نتیجه

از مطالعه در این زمینه نتایج حاصل شد از جمله این که این خصیصه ی اخلاقی در تمام ابعاد زندگی جایگاه خاصی می‌تواند داشته باشد و اگر در زندگی و معاشرت با دیگران، اصل قرار گیرد کنار هم بودن هایمان رنگ و بوی دیگری می‌گیرد همان گونه که در دین ما سختی و دشواری قرار داده نشده است چرا ما انسانها با فرع قرار دادن اصل و اصل قرار دادن فرع، زندگی و ایام عمر را که از الطاف بزرگ خداست به کام خود و دیگران تلخ کنیم چرا روابط و معاشرتی که می‌تواند مایه آرامش ما و دیگران باشد با برخورد نا متناسب مایه رنجش خود و دیگران قرار دهیم طبع آدمی محتاج مهر و ملامت است محتاج کنار هم بودن، در عین ملایمت است چرا این سیر آرام و پر از صفا و صمیمیت را بر هم زنیم.

همانگونه که در اثنا بحث اشاره شد رفق متشکل از مولفه های مختلف است از جمله: حسن خلق، صبر و بردباری، تواضع و فروتنی، عفو و بخشش و نیکی به دیگران...

پیامد بکار گیری این مولفه ها مهیا شدن فضای مملو از آرامش و اطمینان و اعتماد خواهد بود فضای که در آن صمیمیت و همدلی بین اعضای آن موج می‌زند کشوری که در آن بین حاکم و مردم همدلی وجود دارد خانواده ای که بین اعضای آن عشق و صمیمیت حاکم است بستر مناسبی برای رشد اعضای این مجموعه خواهد بود.

البته باید این نکته را نیز مد نظر قرار داد که مدارا و رفق دارای مرز مشخصی می‌باشد افراط و تفریط در به کار گیری آن زیان بار است و می‌تواند جامعه و مردم را متضرر نماید.

مولای متقیان به عنوان الگوی رفتاری و اخلاقی و نیز به عنوان مربی برای بهتر زیستن و چگونه زیستن در کنار تمام توصیه های که به افراد داشته اند به این شیوه ی رفتاری توصیه کرده اند. در بیشتر سخنان و جملاتشان حاکمان، مدیران، مربیان، همسران، و در کل همه را ملزم به رعایت این خصیصه اخلاقی دانسته اند و مکرراً به این اصل تاکید نموده اند. و آثار بکار گیری آن را بیان نموده اند از جمله ی این آثار می‌توان به برکت روزی، آسانی کارها، امنیت، محبوبیت، دوستی ...

منابع

ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.

۵۹. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۷۵

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴
ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، سوم، چاپ بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- ایروانی، جواد، خاستگاه مدارا و عفو از دیدگاه قرآن و حدیث، مجله الهیات و حقوق - پاییز ۱۳۸۴ - شماره ۱۷
الهامی نیا، علی اصغر، اخلاق و تربیت اسلامی.
- بحر العلوم، سید محمد مهدی؛ رساله سیر و سلوک (تحفه الملوک)، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ چهارم، ۱۴۱۸
بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه شرح نهج البلاغه ابن میثم، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ
اول، ۱۳۷۵.
- بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهبیار، انتشارات اسلامی، تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ ش.
حسن احدی و شکوه السادات بنی جمالی، روان شناسی رشد، چاپ دوازدهم، پردیس، ۱۳۷۹ ش.
- خمینی، امام سید روح الله؛ شرح حدیث جنود عقل و جهل، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم،
۱۳۷۸.
- خنیفر، حسین، اصول مدیریت و وظایف مدیران، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اول، ۱۳۸۱
دستی، علی، ترجمه نهج البلاغه امام علی (ع)، قم، انتشارات مشهور، اول، ۱۳۷۹.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج البلاغه، انتشارات دریا، ۱۱، سال ۱۳۸۶.
دلشاد تهرانی، مصطفی، ماه مهر پرور؛ تربیت در نهج البلاغه، تهران، دریا، سوم، ۱۳۸۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، ترجمه
خسروی، غلامرضا، تهران، انتشارات مرتضوی، بی تا.
- رضانژاد - فاخری، اخلاق خانواده (ج ۲).
- سلیمانی، جواد، مقاله مرزهای مدارا و شدت عمل در حکومت امیرمؤمنان (ع)، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی
تبیان، 1387/11/30
- سید کاظم، ارفع، ترجمه روان نهج البلاغه، انتشارات فیض کاشانی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- طریحی فخر الدین، مجمع البحرين، تهران، کتابفروشی مرتضوی ۱۳۷۵.
- علی صابری، محمد، مقاله اخلاق بایسته کارگزاران در نهج البلاغه
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد؛ روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، انتشارات رضی، قم، چ اول، ۱۳۷۵ ش.
- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامیه)، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزه، اخلاق نظری (۳)، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، 1388/08/13
- نراقی ملامحمد مهدی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ترجمه سیدجلال الدین مجتوبی، انتشارات
حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۷.
- نوعی، غلامرضا، مدارا با مخالفان در قران و سیره نبوی، قم، کتاب مبین، اول، ۱۳۷۹.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، مکتبه الاسلامیه، چهارم، ۱۳۷۵.
- یوسفیان - الهامی نیا، اخلاق اسلامی (ج ۳).
- یوسفیان، نعمت الله، تربیت دینی فرزندان